



Great Powers and Conflict Management Patterns: A Case Study of Maritime Conflicts in East and Southeast Asia

Ali Adami

Associate Professor, Department of International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Amir Ghiyasi

Researcher and PhD Student in International Relations, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: Ghiyasi.a@ut.ac.ir

Abstract

The security environment of East and Southeast Asia has consistently provided a context for conflict and confrontation among regional and extra-regional powers due to its geopolitical, geostrategic, and geo-economic characteristics and capacities. These characteristics, coupled with the varying approaches of the actors involved, have altered the nature of conflicts and increased their scope and intensity. Therefore, given that these conflicts result from multiple and complex factors, identifying the important and key factors associated with them is of considerable significance and can contribute to explaining the strategies of the actors involved. Accordingly, this study systematically examines the nature of China's, Russia's, and the United States' approaches, as well as their behavior and strategies in these conflicts, based on a descriptive-explanatory approach, and seeks to identify patterns of conflict management adopted by these actors. The findings indicate that the adoption, continuation, and pursuit of specific approaches, strategies, and objectives by these three actors have resulted in the emergence of three distinct patterns of conflict management: a pattern of peaceful settlement by the parties, pursued by China; a pattern of perpetuating conflicts and maintaining them within the framework of regional conflict, pursued by Russia; and a pattern of escalating and internationalizing conflicts, pursued by the United States.

Keywords: Conflict Management Pattern, Maritime Conflicts, East Asia, Southeast Asia, China, Russia, United States





فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی

سال پانزدهم، شماره سوم (پیاپی ۶۰)، پاییز ۱۴۰۴، صص. ۱۷۹-۱۱۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۳

مقاله پژوهشی

قدرت‌های بزرگ و الگوهای مدیریت منازعه (مطالعه موردی منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا)

علی آدمی

دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

امیر قیاسی

پژوهشگر و دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: Ghiyasi.a@ut.ac.ir

چکیده

محیط امنیتی شرق و جنوب شرق آسیا به دلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ظرفیت‌های ژئواکونومیکی همواره بستر ساز منازعه و تقابل قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. این ویژگی‌ها در کنار مواجهه متفاوت بازیگران، ماهیت منازعات را تغییر داده و دامنه و شدت آن را بیشتر کرده است. بنابراین از آنجاکه این منازعات محصول عوامل متعدد و پیچیده‌ای است، شناخت عوامل مهم و کلیدی مرتبط با آن نیز بسیار حائز اهمیت بوده و می‌تواند در تبیین راهبردهای بازیگران درگیر مؤثر باشد. از این رو این پژوهش بر مبنای رویکردی توصیفی-تبیینی و به صورت نظام‌مند نوع مواجهه چین، روسیه و آمریکا و رفتار و راهبرد آنان در این منازعات را بررسی کرده است و به الگویابی مدیریت منازعه این بازیگران پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اتخاذ، استمرار و پیگیری رویکرد، راهبرد و اهدافی معین از سوی این سه بازیگر منجر به شکل‌گیری سه الگوهای متفاوت مدیریت منازعه در قالب الگوی حل و فصل مسالمت‌آمیز توسط طرفین از سوی چین، الگوی تداوم منازعات و حفظ آن در چهارچوب منازعه منطقه‌ای از سوی روسیه و الگوی تشدید و بین‌المللی کردن منازعات از سوی ایالات متحده آمریکا شده است.

کلیدواژه‌ها: الگوی مدیریت منازعه، منازعات دریایی، شرق آسیا، جنوب شرق آسیا، چین، روسیه، آمریکا

دانشگاه عالی دفاع ملی ♦ پژوهشکده مطالعات راهبردی و امنیت ملی / فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی



<https://smsnds.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 2980-8413



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.



مقدمه

دریاهای شرق و جنوب شرق آسیا به واسطه ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی، حضور قدرت‌های بزرگ (نظیر چین، روسیه و آمریکا) و نفوذ بازیگران منطقه‌ای (از جمله ژاپن، هند، کره شمالی و جنوبی) به حوزه‌ای مهم و پر چالش تبدیل شده است. هرکدام از این دریاها به تعدادی کشور ساحلی با ساختار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی متفاوت ختم می‌شوند که راهبردها، الگوهای رفتاری و اهداف متفاوتی را نیز دنبال می‌کند. این دریاها به واسطه ادعاها و اختلافات متعدد در بین کشورهای ساحلی بر سر تسلط بر آب‌ها، جزایر و منابع موجود در آن و نیز نقش‌آفرینی در ساختار امنیتی آن، همواره بی‌ثبات و محل تنش و منازعه بوده‌اند. این منازعات از عواملی همچون افزایش قدرت چین و توسعه روابط اقتصادی و تجاری بین‌المللی آن و تبدیل شدن این آب‌ها به مهم‌ترین کانال ترانزیت دریایی بین‌المللی به همراه گسترش ادعاها، تشدید یافته است که نتیجه آن بروز چالش‌های متعددی در حوزه‌های امنیتی، سیاسی، نظامی و اقتصادی بوده است.

در سال‌های اخیر افزایش اختلافات بین کشورهای پیرامونی این دریاها، دامنه منازعات را تشدید کرده است. در این میان برخی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سعی در مدیریت این منازعات با اتخاذ راهبردهایی مشخص داشته‌اند. چین، روسیه و ایالات متحده آمریکا از آن جمله‌اند که با اقدامات و راهبردهایی خود سمت و سویی متفاوت به این منازعات داده‌اند. با توجه به اهمیت موضوع و پیچیدگی این منازعات، پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تبیینی، روشی کتابخانه‌ای و تحلیلی نظام‌مند نوع مواجهه چین، روسیه و ایالات متحده آمریکا و رفتار و راهبرد آنان در این منازعات را بررسی نموده و به الگوییابی مدیریت منازعه این بازیگران پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اتخاذ، استمرار و پیگیری رویکرد، راهبرد و اهدافی معین از سوی این سه بازیگر منجر به شکل‌گیری سه الگوهای متفاوت مدیریت منازعه در قالب الگوی حل و فصل مسالمت‌آمیز توسط طرفین از سوی چین، الگوی تداوم منازعات و حفظ آن در چهارچوب منازعه منطقه‌ای از سوی روسیه و الگوی تشدید و بین‌المللی کردن منازعات از سوی ایالات متحده آمریکا شده است. در این پژوهش ابتدا پیشینه



تحقیقات مرتبط با موضوع، چهارچوب مفهومی و روش پژوهش تشریح شده است. در ادامه ضمن بررسی مختصات جغرافیایی منازعات و مهم‌ترین علل آن، رویکرد، راهبرد و اهداف چین، روسیه و آمریکا در منازعات و الگوهای مدیریت منازعه آنان تبیین شده است و در نهایت نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش ارائه شده است.

۱. پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع این پژوهش آثار علمی متنوعی وجود دارد. «یی»^۱ در پژوهش «اختلافات سرزمینی دریایی در شرق آسیا: تحلیل مقایسه‌ای دریای چین جنوبی و دریای چین شرقی» (۲۰۱۱) ضمن بررسی ریشه‌های منازعه، حل منازعه را در چهارچوب تئوری ثبات هژمونیک و میانجی‌گری عملی می‌داند.

«پاتالانا»^۲ در پژوهش «قدرت دریایی، اختلافات دریایی و امنیت در حال توسعه دریاهای شرق و جنوب چین» (۲۰۱۳) تحولات فزاینده اقتصادی، سیاسی و نظامی را زمینه‌ساز تنش و منازعه دریایی شرق آسیا معرفی کرده است.

صبوری و قیاسی در پژوهش «تحولات ژئوپلیتیک دریای جنوبی چین و راهبرد بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای: آثار و پیامدها» (۱۳۹۳) ضمن بررسی تغییرات ژئوپلیتیکی این دریا، نقش‌آفرینی بازیگران متعدد را بسترساز افزایش ادعاهای حاکمیتی و تشدید منازعه دانسته‌اند. در پژوهش «لین»^۳ با عنوان «پشت تشدید تنش‌های دریایی شرق آسیا با چین» (۲۰۱۵) حضور ایالات متحده آمریکا و عدم همکاری و تقابل همسایگان با چین تحت تأثیر این کشور به عنوان عواملی مهم در تشدید منازعات ذکر شده است.

«دکاسترو»^۴ در پژوهش «فیلیپین و کشف حوزه دریایی: تغییر تمرکز دولت از راهبرد امنیت داخلی به امنیت دریایی» (۲۰۱۶) ریشه منازعات دریای جنوبی چین را موازنه راهبردی قدرت‌های کوچک مانند فیلیپین با ایالات متحده آمریکا و ژاپن و تلاش برای موازنه‌سازی با

1. Yee, A.

2. Patalano, A.

3. Lin, C. P.

4. De Castro, R. C.

چین بر سر موضوعات امنیتی بیان کرده است. همچنین «استانزل»^۱ در پژوهش «خطر در دریاهای آزاد: چالش امنیتی شرق آسیا» (۲۰۱۶) تقابل قدرت‌های بزرگ در آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا را به‌عنوان عامل اصلی منازعات شرق آسیا ذکر کرده است.

در پژوهش «کرولو»^۲ با عنوان «دو سطح از سیاست‌های روسیه در دریای چین جنوبی» (۲۰۱۹) راهبرد دوگانه روسیه در قبال چین و موازنه‌سازی قدرت ایالات متحده به‌عنوان علل تشدید تنش در این حوزه معرفی شده است.

«استراتینگ»^۳ در پژوهش «اختلافات دریایی، حاکمیت و نظم مبتنی بر قوانین در شرق آسیا» (۲۰۱۹) ادعاهای تاریخی و حاکمیتی کشورهای ساحلی بر سر آب‌ها و جزایر و تأکید بر رژیم‌های حقوقی متعدد را در اختلافات دریایی شرق آسیا مؤثر دانسته است.

«کو»^۴ در پژوهش «ژاپن و سیاست هویتی اختلافات دریایی آسیای شرقی» (۲۰۱۹) سیاست‌های هویتی ژاپن و چین و تأثیر آن بر افزایش رقابت‌های دو کشور در دریاهای چین جنوبی، دریای شرقی و اقیانوس هند-آرام را به‌عنوان عامل تنش و منازعه ذکر کرده است. نتایج پژوهش «پراسیتیا و همکاران»^۵ با عنوان «مسئله هویت: رویکرد اندونزی نسبت به اختلافات ارضی در جنوب شرقی آسیا» (۲۰۲۰) حاکی از تأثیر این تنش‌ها بر سیاست‌ها و مواضع کشورهای منطقه از جمله اندونزی در منطقه است.

در پژوهش «تان»^۶ با عنوان «احاله به محافظ: آسیای جنوب شرقی و راهبرد آمریکا؛ هند و اقیانوس آرام» (۲۰۲۰) اقدامات و راهبردهای پیرامون موازنه‌سازی و مهار چین توسط چهار کشور ایالات متحده آمریکا، ژاپن، استرالیا و هند به‌عنوان مهم‌ترین عوامل ایجاد منازعه و تنش در این حوزه ذکر شده است.

در پژوهش «وود»^۷ با عنوان «راهبرد دریایی و امنیت ملی چین در دریای چین

1. Stanzel, V.

2. Korolev, A.

3. Strating, R.

4. Koo, M. G.

5. Prasetya, D. M. et al

6. Tan, S. S.

7. Wood, J. R.



جنوبی» (۲۰۲۱) تأثیر تنش‌های دریای جنوبی چین بر برنامه‌ها و رویکردهای سیاسی، امنیتی و نظامی بیان شده و بر لزوم اتخاذ راهبردهای تعیین‌کننده از سوی چین تأکید شده است. با این حال علی‌رغم تمرکز پژوهش‌های پیشین در بررسی طیف مختلفی از موضوعات از قبیل علل و ریشه منازعات، راهبردهای بازیگران در این منازعات و آثار این منازعات بر روابط بین بازیگران، موضوع و مسئله‌ای که در این پژوهش‌ها مغفول مانده است، رفتارشناسی، بررسی و تبیین نظام‌مند و قاعده‌مند رفتارها و راهبردهای بازیگران است و این‌که در پس کنش‌ها، واکنش‌ها، راهبردها و سیاست‌های بازیگران درگیر در این منازعات از جمله چین، روسیه و آمریکا چه الگوهای مدیریت منازعه‌ای وجود دارد؟ و این الگوها چگونه قابل تبیین است؟ پرداختن به این مسائل و ارائه و تبیین الگوهای مدیریت منازعه این سه بازیگر در منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا از جمله وجوه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های ذکر شده است.

۲. چهارچوب مفهومی

در تشریح چهارچوب مفهومی پژوهش و برای درک منسجم‌تر یافته‌های پژوهش که منتج به الگویابی مدیریت منازعه قدرت‌های بزرگ می‌شود، سه مبحث مفهوم منازعه، ویژگی‌های منازعه و موضوع مدیریت منازعه به اختصار تشریح شده است.

۲-۱. مفهوم منازعه

«منازعه»^۱ به معنای ابراز خصومت، نگرش منفی، تضاد، پرخاشگری، رقابت و سوء تفاهم است. منازعه با موقعیت‌هایی مرتبط است که شامل منافع متناقض بین دو طرف یا گروه متضاد باشد که هرکدام دیدگاه خود را نسبت به دیگران ارجح بدانند. با این حال در رابطه با مفهوم منازعه دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد برای مثال، «دورکیم»^۲ منازعه را یک پدیده

1. Conflict

2. Durkheim

غیرعادی در نظر گرفته و برای تفسیر آن از اصطلاح «آنومی»^۱ یا «آسیب‌شناسی»^۲ استفاده کرده است. «ویلسون‌اند کلب»^۳ معتقد است که منازعه یک اثر واگرا و تفکیک‌کننده دارد، اما برخی دیگر این دیدگاه را رد کرده‌اند. پارک، برگس و «زیمل»^۴ استدلال می‌کنند منازعه وسیله‌ای برای حل و جلوگیری از شکافت کامل بین دو طرف است که در نهایت نوعی وحدت را حفظ می‌کند. برخی دیگر نظیر «شلنبرگ»^۵ معتقدند که منازعه نه بد است و نه خوب، بلکه یکی از ضروریات زندگی اجتماعی انسان‌ها است. علاوه بر این دیدگاه‌های مارکسیستی منازعه را نه تنها در سامانه اجتماعی مهم می‌دانند، بلکه آن را محرک اصلی برای تغییر اجتماعی قلمداد می‌کنند (ثاکور^۶، ۲۰۱۳: ۷). منازعه اشاره به اختلاف و ناسازگاری در رویکردها، اهداف و اقدامات بازیگران در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی دارد و دارای انواع مختلف است. منازعه مرزی و سرزمینی یکی از گونه‌های منازعه بین‌الدولی است که میان کشورها با همسایه یا همسایگان خود بر سر مالکیت و حاکمیت بر مناطق مرزی مشترک رخ می‌دهد (حافظ‌نیا و میرزائی‌تبار، ۱۳۹۸: ۱۶۷). منازعه هم شامل درگیری در عرصه خرد (درون سرزمینی) و هم عرصه کلان (بین‌الدولی) می‌شود و زمانی تشدید می‌شود که اختلافات به فراتر از کنترل طرفین درگیر تسری یابد (طهماسبی، برزگر و حاجی‌یوسفی، ۱۴۰۰: ۱۶۲).

۲-۲. ویژگی‌های منازعه

منازعه می‌تواند معرف یک اختلاف دیدگاه یا در سطح گسترده معرف جنگ و نبرد دو یا چند بازیگر در مقیاس محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی باشد. ریشه یا ریشه‌های منازعات در هر سطح و مقیاسی، متشکل از علل و عوامل مختلفی اعم از فردی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی و ... است (حافظ‌نیا و میرزائی‌تبار، ۱۳۹۸: ۱۶۸). منازعه دارای

1. Anomie

2. Pathology

3. Wilson and Kolb

4. Park, Burgess & Simmel

5. Schellenberg, J. A

6. Thakore, D.



ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی است. «ایونا و گیبلز»^۱ (۲۰۱۷) برخی از این ویژگی‌ها را به شرح زیر بیان کرده‌اند:

۱. منازعه دلالت بر نوعی وابستگی یا وابستگی متقابل دارد که می‌تواند مثبت (یک زمینه مشارکتی)، منفی (یک زمینه رقابتی) و یا مختلط باشد.
۲. منازعه عمدتاً موقعیت‌هایی با انگیزه مختلط هستند، زیرا طرفین انگیزه‌های هم‌زمان برای همکاری و انگیزه‌های نیز برای رقابت دارند.
۳. منازعه یک تجربه روانی، شخصی و ذهنی است، زیرا طرفین می‌تواند همان تعارض را به شیوه‌ای متفاوت درک و مدیریت کند و این بستگی به ادراک موقعیت خاص طرفین دارد.
۴. منازعه در تنش شناختی و عاطفی ریشه دارد که ممکن است احساس ترس یا خشم به‌همراه داشته باشد. تجارب و تنش‌های عاطفی در منازعه نیز از عوامل فرهنگی، تاریخی و حتی شخصی تأثیر می‌پذیرد.
۵. منازعه می‌تواند یک‌طرفه باشد. در این حالت طرفین واقعیت یکسانی را درک نمی‌کند. یک طرف ممکن است درکی شدید از محور منازعه داشته باشد درحالی‌که طرف دوم به‌سختی از این تعارض آگاه است.
۶. منازعه یک فرایند پویا و چند مرحله‌ای است و به‌طور ناگهانی ظاهر نمی‌شود، بلکه مدتی طول می‌کشد تا توسعه یابد (الگیبرا و همکاران^۲، ۲۰۱۷: ۵ - ۱).

۳-۲. مدیریت منازعه

مدیریت منازعه به مجموعه اقدامات و راهبردهایی گفته می‌شود که به‌منظور سمت‌وسو دادن به منازعه اتخاذ می‌گردد. مدیریت منازعه لزوماً به معنی اجتناب، کاهش یا خاتمه منازعه نیست و بر این اساس انواع مختلفی از مدیریت منازعه وجود دارد. در یک مفهوم جامع مدیریت منازعه پاسخ‌های شناختی به موقعیت‌های متعارض و اقداماتی است که از پیشگیری،

1. Euwema and Giebels

2. Elgoibar, P.

همکاری و مقابله با موقعیت‌های متعارض تا تشدید آن را شامل می‌شود. با این حال در حالتی که مدیریت منازعه به معنی خاتمه و حل و فصل آن باشد از طرق متفاوتی ممکن است هدایت و مدیریت شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: مجادله سازنده؛ مذاکره؛ پادرمیانی؛ میانجی‌گری؛ داوری و تصمیم‌گیری رسمی-نهادی (الگیبرا و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۵).

۳. روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی-تبیینی است و با توجه به اهدافی که دنبال می‌کند در طیف پژوهش‌های کاربردی قرار دارد به‌طوری‌که ضمن معرفی الگوهای مختلف مدیریت منازعه بازیگران، تا حد زیادی قابلیت پیش‌بینی چگونگی ورود بازیگران به منازعات آتی را فراهم نموده و درک درستی از فضای موجود برای اتخاذ سیاست‌ها، اقدامات و کنش مناسب و چگونگی مواجهه و رویارویی با بازیگران نقش‌آفرین در منازعات را ایجاد می‌کند. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای و با مطالعه پیشینه پژوهش‌ها و تحقیقات علمی مرتبط با موضوع، بررسی رفتار و راهبردهای بازیگران و ویژگی‌های جغرافیایی منطقه تحت بررسی گردآوری شده است.

۴. یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

۴-۱. مختصات جغرافیایی منازعات

دو اقیانوس هند و آرام از جمله مهم‌ترین مناطق آبی جهان هستند که دو خلیج بزرگ بنگال و تایلند، دریا‌های مهمی نظیر دریای جنوبی چین، دریای فیلیپین، دریای شرقی چین، دریای زرد، دریای ژاپن و تعدادی دریا و دریاچه در شمال تا غرب استرالیا را در خود جای داده‌اند. این دریاها به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، منابع طبیعی، دوری و نزدیکی با کشورها و همچنین تقسیم‌بندی مرزهای دریایی از درجات اهمیت متفاوتی برخوردارند. از این رو به نسبت اهمیت جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی، تمرکز کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بر آن‌ها، اختلافات و منازعات در آن‌ها متفاوت است. همچنین به هر میزان که این دریاها از نظر



مختصات کوچک‌تر و توسط کشورهای منطقه محصور بوده و دارای تقسیم‌بندی مرزهای دریایی متداخل هستند، اختلافات، تنش و درگیری در آن‌ها بیشتر است. به‌عنوان مثال خلیج تایلند، دریای زرد و دریای ژاپن از جمله دریاهای تنش‌زای شرق و جنوب شرق آسیا هستند. مهم‌تر از آن‌ها دو دریای جنوبی چین و دریای شرقی چین به‌واسطه محصور شدن با کشورها و مرزهای متداخل، وجود منابع عظیم و گسترده، اهمیت ارتباطی، امنیتی و ادعاهای مالکیت کشورهای ساحلی بر آن‌ها، از جمله پرتنش‌ترین دریاهای این منطقه محسوب می‌شوند (آچسن^۱، ۲۰۱۱ و دالون و همکاران^۲، ۲۰۲۱). این دو دریا در چند دهه گذشته محل منازعه، تنش و حتی درگیری‌های مسلحانه بین چین و کشورهای پیرامونی بوده است. ادعاهای بین چین، تایوان، فیلیپین، ویتنام، مالزی، برونئی و سنگاپور در دریای جنوبی چین (استوری^۳، ۲۰۲۰: ۱)، تنش‌های دیرینه کره شمالی و کره جنوبی، اختلافات بر سر بسیاری از جزایر موجود در این آب‌ها و به‌طور خاص بین ژاپن و چین در دریای ژاپن، اختلافات چین، تایوان و ژاپن در دریای شرقی چین (اگونوئیکی^۴، ۲۰۲۰: ۷۹) و همچنین در درجه‌ای ضعیف‌تر اختلافات و ادعاها در دریای زرد بین چین، کره شمالی و کره جنوبی (چو^۵، ۲۰۲۱: ۲۹۴) موجبات تشدید تنش و منازعه در این آب‌ها شده است.



نقشه شماره (۱): آب‌های محل تنازع و کشورهای ساحلی

1. Acheson, C.
2. Dolven, B. et al
3. Storey, I.
4. Ogunnoiki, A. O
5. Cho, S.

با این حال با توجه به این که تنش و درگیری با درجات مختلف در همه این دریاها وجود دارد و بررسی ابعاد و جزئیات همه تنش‌های موجود در این نوشتار میسر نیست، بنابراین نقطه تمرکز این پژوهش دریای جنوبی چین، دریای شرقی چین، دریای زرد و دریای ژاپن است، اگرچه منازعات به این دریاها محدود نبوده و دامنه گسترده‌تری در همه آب‌های منطقه دارد.

۴-۲. مهم‌ترین علل شکل‌گیری منازعات و بین‌المللی شدن آن

یکی از مهم‌ترین راه‌های دسترسی به تأمین امنیت و حفظ منافع ملی در جهانی که عرصه رقابت و همکاری بازیگران است، سیاست‌گذاری و به‌کارگیری قدرت دریایی است (مجتهدزاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۰). بر این اساس دریاهاى شرق و جنوب شرق آسیا برای کشورهای پیرامونی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از اهمیت خاصی برخوردار است، چراکه وجود بیش از یک قرن ادعاها و اختلافات مرزی و ارضی متعدد بین کشورهای منطقه منجر به ایجاد منازعات متعدد در این دریاها و بستر نمایش قدرت شده است. مهم‌ترین علل مشترک شکل‌گیری این منازعات دو دسته‌اند:

الف. ادعاهای مالکیتی و تسلط بر منابع و راه‌های ترانزیتی: اختلاف نظرها و ادعاهای مالکیتی بین چین، تایوان، فیلیپین، ویتنام، مالزی، برونئی و سنگاپور در دریای جنوبی چین بر سر جزایر «پاراسل»^۱، «پراتس»^۲، «اسپراتلی»^۳ و «مکلسفیلد»^۴ (استوری، ۲۰۲۰: ۱ و ادوکات^۵، ۲۰۲۱: ۹۰)، اختلاف در بهره‌برداری از منابع طبیعی (حدود ۱۱ میلیارد بشکه نفت، ۱۹۰ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی و ذخایر قابل توجه ماهی، مرجان و سایر منابع در زیر بستر و زیر بستر)، اختلاف در استفاده از راه‌های ترانزیتی در این دریا (عبور سالانه مبادلات تجاری از طریق کشتی‌های تجاری از این دریا به ارزش حدود ۳/۴ تریلیون دلار از

1. Paracel

2. Pratas

3. Spratly

4. Macclesfield Bank

5. Advocate, S. J.



این دریا (دالون و همکاران، ۲۰۲۱: ۱) و اهمیت ژئوپلیتیکی آن برای کشورهای ساحلی (صبوری و قیاسی، ۱۳۹۳: ۴۸) عوامل مهم منازعه، تنش و درگیری مسلحانه در این دریاست (فیدوک و پاول^۱، ۲۰۱۵: ۱). اهمیت تسلط و بهره‌برداری از منابع عظیم هیدروکربنی، آبی، معدنی و طبیعی در بستر و زیربستر دریای شرقی چین (آچسن، ۲۰۱۱: ۲)، اهمیت نقش ترانزیتی آن در مبادلات اقتصادی و تجاری بین‌المللی در کنار اختلافات و ادعاهای چین، تایوان و ژاپن بر سر جزایر و کنترل کانال‌های ارتباطی (اگونویکی، ۲۰۲۰: ۷۹)، همچنین ادعاهای مالکیتی متعدد در دریای ژاپن بر سر جزایر «دوکدو»^۲ و «تاکشیم»^۳ بین ژاپن و کره جنوبی و همچنین بین ژاپن، چین و تایوان (بر سر جزایری که ژاپن آن‌ها را «سنکاکو»^۴ و چین آن‌ها را جزایر «دیاویو»^۵ می‌نامند) (استراتینگ^۶، ۲۰۲۱: ۱) خطوط کشتیرانی، ذخایر بالقوه هیدروکربن، مناطق مهم ماهیگیری (اگونویکی، ۲۰۲۰: ۷۹) و نیز اختلاف نظر بر سر تعیین منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره و استفاده از منابع این جزایر ازجمله عوامل اصلی تنش، درگیری و منازعه در این دو دریاست. علاوه بر آن اختلافات و تنش‌های موجود در دریای زرد بین کشورهای چین، کره شمالی و کره جنوبی در تعیین مرزهای آبی نیز از مهم‌ترین دلایل تنش در این دریاست، که با بروز اختلاف در نحوه بهره‌برداری از منابع بستر و زیر بستر دریا تشدید شده است (چو، ۲۰۲۱: ۲۹۶).

ب. اختلاف بر سر نحوه استقرار و کنترل سامانه امنیت دریایی: تقابل بر سر نحوه برقراری امنیت دریایی و تسلط بر محیط امنیتی آن از دهه گذشته با افزایش اختلافات در دریای جنوبی و شرقی چین افزایش یافته و جریان‌های متعدد رقابتی را ایجاد نموده است (استراتینگ، ۲۰۲۰: ۱). اقدامات بی‌نتیجه کشورهای عضو آ.سه.آن، چین و دیگر کشورهای منطقه در رابطه با ایجاد سامانه امنیتی مشترک و یا تقسیم‌شده (زو^۷، ۲۰۲۰: ۲۰۲)، مخالفت کشورهای ساحلی

-
1. Heiduk, F, and Paul, M.
 2. Dokdo
 3. Takeshima
 4. Senkaku
 5. Diaoyu
 6. Stratin, Rebecca
 7. Zou, K.

با اقدامات چند دهه‌ای چین در ایجاد یک سامانه امنیت دریایی مشترک بدون حضور قدرت‌های فرمانطقه‌ای و اقدامات یک‌جانبه ژاپن و تأکید بر اصل اتکا به خود و تکیه بر گارد ساحلی و نیروی دریایی برای تأمین سامانه امنیت دریایی به‌جای اتخاذ راهبرد امنیتی مشترک در منطقه (فرویا،^۱ ۲۰۱۹: ۱۰-۱) و تمرکز بر افزایش قدرت دریایی زمینه تنش و منازعه در این آب‌ها را فراهم کرده است. در این راستا گسترش نیروی دریایی چین، تسریع نوسازی نظامی کشورهای ساحلی از جمله فیلیپین برای ایجاد قابلیت بازدارندگی در کنار ایجاد مشارکت امنیتی با ایالات متحده و ژاپن (دکاسترو، ۲۰۱۶: ۱۱۱)، تشکیل «شورای امور اقیانوس»^۲ در سال ۲۰۱۸ شامل سه آژانس «اداره گارد ساحلی»^۳، «اداره حفاظت از اقیانوس»^۴ و «آکادمی ملی تحقیقات دریایی»^۵ در جنوب تایوان با هدف ادغام و هماهنگی همه امور اقیانوسی و ایجاد بازدارندگی (شی،^۶ ۲۰۲۰: ۱)، واگرایی دیگر کشورهای ساحلی در جنوب دریای جنوبی چین نظیر تایلند، مالزی، فیلیپین، برونئی، سنگاپور و اندونزی و نیز کشورهای کره جنوبی و کره شمالی در دریای شرق چین و دریای زرد در حوزه اتخاذ سامانه امنیت مشترک و تمایل به همکاری با ایالات متحده آمریکا و روسیه پیچیدگی‌های سامانه امنیت دریایی این حوزه را افزایش داده و منازعات را تشدید کرده است.

دو عامل مهم دیگر در کنار عوامل ذکر شده سبب تبدیل این منازعات از یک منازعه منطقه‌ای به یک منازعه بین‌المللی تشدید شونده شده است. یکی تبدیل شدن آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا به یکی از مهم‌ترین مسیرهای ترانزیت بین‌المللی و مبادلات تجاری بین‌المللی و دیگری حضور و نقش‌آفرینی بازیگران فرمانطقه‌ای و غیرساحلی در آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا است. توسعه مبادلات صنعتی، تجاری و اقتصادی ژاپن و مهم‌تر از آن چین، افزایش خیره‌کننده مبادلات تجاری و اقتصادی این کشور در دهه گذشته در آب‌های پیرامونی و حضور بی‌شمار کشتی‌های تجاری و بازرگانی، نفت‌کش‌ها و تعداد کثیر کشتی‌های

1. Furuya, K.

2. The Ocean Affairs Council (OAC)

3. The Coast Guard Administration (CGA)

4. The Ocean Conservation Administration (OCA)

5. The National Academy of Marine Research (NAMR)

6. Shih, Y. C.



کانتینری از کشورهای مختلف منطقه و جهان، ضمن این‌که موضوعات امنیتی در حوزه ترانزیتی و حمل‌ونقل بین‌المللی را ضروری نموده است، اختلاف بر سر فرایند و چگونگی عبور و مرور کشتی‌های تجاری و تسلط بر مسیرهای ترانزیتی بین‌المللی بین کشورهای ساحلی را افزایش داده است. این مسئله در کنار حضور کشورهایی نظیر روسیه و آمریکا و حتی هند و نقش‌آفرینی آنان در این آب‌ها، همچنین اتحاد و ائتلاف با کشورهای ساحلی، سیاست‌های چندگانه و متعارض آنان و مداخله مستقیم در منازعات منجر به تغییر ماهیت آن به یک منازعه بین‌المللی شده است.

۳-۴. مؤلفه‌های شکل‌دهنده به الگوهای مدیریت منازعه چین، روسیه و آمریکا

با توجه به این‌که همه بازیگران نظام بین‌الملل، علی‌الخصوص بازیگرانی که در شکل‌دهی به ساختار و هنجارهای نظام بین‌الملل نقش دارند، به‌صورت عقلایی عمل نموده و در کنش و رفتارهای خود همواره منافع حیاتی، ملی و دستاوردهای نسبی را مورد توجه قرار می‌دهند، بنابراین هرگونه اقدام، کنش، واکنش و راهبردهای خود را در جهت دستیابی به منافع خود اتخاذ می‌کنند. این قاعده در وضعیت‌های تنش‌زا و منازعات از اهمیت بیشتری برخوردار است، بنابراین بازیگران در مواجهه با وقوع منازعات با رویکردی عقلایی، با مدنظر قرار دادن شرایط زمانی و مکانی، آثار آنی، کوتاه‌مدت، میان‌مدت و یا بلندمدت آن و همچنین براساس شدت منازعه، ممکن است الگوهای متفاوت مدیریت منازعه اتخاذ می‌کنند. سه کشور چین، روسیه و ایالات متحده، هر یک در منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا نقش مهمی ایفا می‌کنند و کنش، رفتار، رویکرد و راهبردهایی را برای دستیابی به منافع و اهداف مورد نظر خود در این منازعات دنبال می‌کنند. در ادامه سه مؤلفه «رویکرد»، «راهبرد» و «اهداف» این کشورها در این منازعات که تعیین‌کننده الگوهای مدیریت منازعه آن‌ها است، تشریح شده و در نهایت الگوهای مدیریت منازعه آنان تبیین شده است.

۴-۳-۱. چین

چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای براساس برنامه‌های توسعه اقتصادی در چند دهه اخیر عمده سیاست‌ها و راهبردهای کلان خود را بر محوریت دریا سازمان‌دهی کرده است. بنابراین موضوعاتی نظیر امنیت مسیرهای دریایی انتقال انرژی و کالا، چالش‌های افزایش حضور و نفوذ ایالات متحده آمریکا در آسیای جنوب شرقی، تشدید اختلافات دریایی بر سر منابع انرژی با همسایگان (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۳) و حیاتی بودن مسیر دریایی در طرح کلان کمربند-جاده اهمیت ژئوپلیتیکی حوزه دریایی پیرامونی را برای چین تشدید کرده است. از این رو آب‌ها و دریاها پیرامونی از نقشی حیاتی برای این کشور برخوردارند. این مسائل موجب اتخاذ رویکرد و راهبردی مشخص از سوی چین در قبال تحولات موجود در آب‌های منطقه شده است که با اهداف این کشور در منطقه نیز مطابقت دارد.

الف. رویکرد: چین در قبال تنش‌ها و منازعات دریایی پیرامون خود رویکرد مشخصی اتخاذ نموده است. این رویکرد که هم موضوع ادعاهای مالکیتی بر سر آب‌ها و جزایر و هم موضوع بهره‌برداری از منابع موجود را در برمی‌گیرد، مبتنی بر استفاده از روش‌های دیپلماتیک و مذاکرات دوجانبه است. چین بر آن است که تنها راه رسیدن به توافق و از بین بردن تنش‌ها و منازعات، دیپلماسی و مذاکره و آن‌هم مذاکرات دوجانبه و نه چندجانبه است. چین چندین دهه است که این رویکرد را با توجه به سوابق حاکمیتی، قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی و همچنین بدون هرگونه دخالت کشور ثالث و کشورهای فرامنطقه‌ای درپیش گرفته و بر آن تأکید دارد. این کشور به‌صورت مکرر بر بیانیه سال ۱۹۹۵ کیان کیچن وزیر امور خارجه اسبق مبنی بر این‌که «همه اختلافات باید از راه‌های مسالمت‌آمیز براساس مفاد حقوق بین‌الملل، از جمله کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریا حل و فصل شوند» و همچنین بر مذاکرات دوجانبه با طرفین، بدون حضور کشورهای ثالث در مذاکرات و گفت‌وگوها (فرآور^۱، ۲۰۱۱: ۲۹۹) پافشاری می‌کند و تأکید دارد که هیچ کشور یا طرف ثالثی از ماهیت اختلافات و ادعاها آگاه نیست و نمی‌تواند در رسیدن به راه‌حلی مسالمت‌آمیز مؤثر باشد و

1. Fravel, M. T.



حضور و دخالت در این موضوع چیزی جزء تشدید تنش‌ها و فاصله گرفتن از رویکردهای مسالمت‌آمیز را به دنبال ندارد.

ب. راهبرد: چین در رابطه با تنش‌ها و منازعات موجود در دریاهای پیرامونی خود دارای راهبردی پایدار یعنی جلوگیری از تشدید تنش‌ها است. این کشور در برهه‌های زمانی مختلف بر خویشتن‌داری طرفین منازعه و جلوگیری از دخالت کشورهای ثالث و فرامنطقه‌ای تأکید کرده است و در شرایطی که احتمال تشدید منازعات وجود داشته و یا تنش‌ها افزایش یافته است، اقدامات مؤثری برای کنترل آن انجام داده است. اقدامات و توافقات جولای ۲۰۱۱ چین با اعضای آ.سه. آن و نیز اتخاذ دستورالعمل‌هایی اجرایی در کنترل تنش‌ها و تقویت همکاری در حوزه‌های امنیت دریایی (فرآور، ۲۰۱۱: ۳۱۱) در پی افزایش تنش‌ها، نشست‌های وزرای دفاع چین و فیلیپین در دریای جنوبی چین در سال ۲۰۱۲ پس از درگیری‌های نیروهای نظامی دوطرف و مؤثر واقع شدن آن در جلوگیری از تشدید تنش و بروز منازعه (چنگ و فالادینا^۱، ۲۰۱۴: ۱۹۷)، اقدامات متعدد در راستای مشارکت راهبردی و دیپلماسی دریایی با کشورهای ساحلی، گفتگوهای امنیتی با هند در سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ م، توافق بر سر سازوکار ارتباطات هوایی-دریایی با ژاپن در سال ۲۰۱۸ به منظور جلوگیری از درگیری نیروهای دریایی دو طرف و مدیریت تنش‌های دریایی (محروق، ۱۴۰۱: ۳۱۵) از جمله اقدامات چین در این راستا بوده است. توسعه روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای پیرامونی و ساحلی نیز از دیگر اقداماتی است که در چهارچوب این راهبرد صورت می‌گیرد. چین تلاش نموده است تا از یک سو با تقویت مناسبات با کشورهای منطقه و از سوی دیگر با ورود به نهادهای چندجانبه منطقه از جمله آ.سه. آن و آپک و همچنین نقش‌آفرینی در سازمان‌هایی نظیر شانگهای در چهارچوب سیستمی هماهنگ اختلافات مرزی با همسایگان را مدیریت کند (سیمبر و حسینی، ۱۳۹۵: ۸۲) و یا حداقل آن‌ها را کنترل نمود و از تشدید آن جلوگیری کند.

ج. اهداف: با نگاهی به رویکرد و راهبرد چین در منازعات دریایی پیرامونی و پایداری و استمرار این رویکرد و راهبرد در این منازعات، انطباق و سنخیت آن با اهداف این کشور در

1.Cheng, J. Y., & Paladini, S.

منطقه را روشن می‌سازد. مهم‌ترین اهداف چین تسلط بر آبراهه‌ها و ایجاد ثبات مورد انتظار در مسیرهای آبی ترانزیت کالا به‌منظور عدم اختلال در جریان مبادلات عظیم اقتصادی و تجاری، جلوگیری از حضور کشورهای فرامنطقه‌ای خصوصاً ایالات متحده آمریکا به‌عنوان عاملی مهم در تشدید منازعات و حفظ نقش برتر در منطقه و آب‌های پیرامونی است.

از زمان دنگ شیائوپینگ وابستگی چین به اقیانوس‌ها، دریاها و آب‌ها بیش از پیش افزایش یافته و دسترسی و کنترل بر آب‌ها را به یک ضرورت حیاتی برای این کشور تبدیل کرده است. چین از چند دهه گذشته به‌طور فزاینده به واردات (خصوصاً انرژی و مواد غذایی) از طریق دریا نیازمند است. منابع عظیم آبزیان در آب‌های پیرامونی (با اختصاص ۱۲ درصد از صید جهانی) برای چین (به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده مواد غذایی جهان) بسیار حیاتی است. علاوه بر آن حوزه دریایی برای امنیت ملی چین اهمیتی مضاعف دارد (ایشیا و چنگ^۱، ۲۰۱۶: ۱). این کشور با توجه به ویژگی‌های ژئوپلیتیکی آب‌های منطقه و در راستای توسعه اقتصادی و پیگیری راهبرد «اقتصاد آبی» درصدد است تا در این آب‌ها ایستگاه‌های اقتصادی باثباتی ایجاد کند تا ضمن تسلط بر کانال‌های دریایی تأمین منابع و انرژی (زی^۲، ۲۰۱۴: ۱۱۹) حضور فعال خود در بازارهای جهانی را تثبیت نماید. همچنین لازمه ایفای نقش برتر در منطقه برای چین، تسلط بر ساختارها و سیستم‌های امنیتی منطقه و زیرسیستم امنیت دریایی آن است. این در حالی است که اختلافات دریایی عامل مهم شکاف‌های سیاسی-امنیتی در حوزه پیرامونی چین با همسایگان است (کو، هیوانگ و چو^۳، ۲۰۲۲: ۱۲) و مدیریت و حل‌وفصل این تنش‌ها بدون دور نگه‌داشتن ایالات متحده و متحدین آن خصوصاً ژاپن از آب‌های منطقه و جلوگیری از دخالت آنان در اختلاف‌نظرها و تنش‌ها با کشورهای ساحلی ممکن نیست. فائق آمدن بر این مسائل برای چین بسیار حائز اهمیت است تا از این طریق ضمن کنترل آب‌های پیرامونی، موقعیت برتر خود در منطقه را حفظ نماید.

1. Asia, T., & Cheng, D

2. Xie, Z.

3. Kuo, J., Huang, M. H., & Chu, Y. H.



بنابراین رویکرد و راهبرد چین در منازعات دریایی پیرامون خود و اهداف این کشور در این منازعات در مجموع به شکل‌گیری الگویی خاص از مدیریت منازعات از سوی این کشور منجر شده است. به عبارت دیگر الگوی مدیریت منازعه چین در منازعات دریایی پیرامونی ارتباط تنگاتنگی با رویکرد، راهبرد و اهداف این کشور دارد. چین در چند دهه گذشته تلاش نموده است تا به پشتوانه رشد اقتصادی، قدرت و جایگاه منطقه‌ای خود را مستحکم و تداوم بخشد، به منابع طبیعی عظیم در آب‌های پیرامونی دسترسی سهل و آسان داشته باشد، کانال‌های ترانزیت دریایی را کنترل نموده و ضمن تسلط بر سامانه امنیت دریایی منطقه از دخالت و نفوذ کشورهای فرامنطقه‌ای جلوگیری نماید و مبادلات تجاری و اقتصادی خود را بیش از پیش توسعه دهد. لازمه این امر نبود تنش و درگیری و همچنین امنیت در مناطق پیرامونی خصوصاً در آب‌های منطقه است. چین اختلافات موجود در حوزه مالکیت بر جزایر، مرزبندی مناطق دریایی و بهره‌برداری از منابع با کشورهای همسایه را اختلافاتی دوجانبه می‌داند و درصدد است از تشدید تنش و درگیری در این آب‌ها جلوگیری نموده و این منازعات را خاتمه دهد که این مسائل منجر به شکل‌گیری الگویی از مدیریت منازعه توسط این کشور در قالب حل و فصل مسالمت‌آمیز توسط طرفین شده است.

۴-۳-۲. روسیه

روسیه یک قدرت منطقه‌ای و همچنین یکی از بازیگران مهم در ساختار منطقه‌ای اوراسیاست. این کشور در اقیانوس آرام و هند منافع راهبردی و حیاتی متعددی دارد و همواره در این منطقه حضور و نقشی مؤثری داشته است. از این رو تنش و منازعات در آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا برای این کشور موضوعی بسیار مهم و استراتژیک است که سبب اتخاذ رویکرد و راهبردی مشخص و منطبق با اهداف مورد نظر این کشور در قبال منازعات شده است.

الف. رویکرد: روسیه در قبال منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا رویکرد معینی اتخاذ نموده است. این کشور در ادوار مختلف بر این موضوع تأکید داشته است که در این

منازعات بی‌طرف بوده و دخالتی ندارد. روسیه در این راستا بارها اعلام کرده است که در تنش‌ها و منازعات دریایی در شرق آسیا دخالت نمی‌کند و در این رابطه پوتین به‌طور مکرر این موضع را اعلام کرده است. نمونه بارز و رسمی اتخاذ این رویکرد در سال ۲۰۱۶ بود که اعلام نمود «ما در این تنش‌ها و اختلافات دخالت نمی‌کنیم و معتقدیم که هرگونه دخالت ثالثی در این موضوع به حل و فصل اختلافات لطمه می‌زند» (دیکارو و لوکین، ۲۰۲۱: ۱۲). اتخاذ این رویکرد از سوی روسیه و استمرار آن متأثر از دو موضوع مهم است، یکی همکاری‌های راهبردی با چین و دیگری تعاملات گسترده با کشورهای ساحلی و طرفین منازعه. این موضوع سبب شده است تا روسیه یک طرف را بر دیگری ارجحیت ندهد و تعامل و ارتباطات با هر دو طرف را حفظ نماید.

ب. راهبرد: علی‌رغم اتخاذ رویکرد بی‌طرفانه از سوی روسیه، این کشور راهبرد فروش تسلیحات و ایجاد رقابت تسلیحاتی در کانون منازعات را در پیش گرفته و این راهبرد را برای دهه‌های متوالی ادامه داده است. این کشور به چندین طرف منازعه و عضو اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا از جمله ویتنام تسلیحات صادر می‌کند. برای مثال بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ اعضای آ.سه. آن بیشتر از ۸۰ درصد تسلیحات خود را از روسیه وارد کردند. بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹، این کشورها ۹ درصد از صادرات تسلیحات جهانی روسیه را به خود اختصاص داده‌اند. اندونزی، مالزی و میانمار نیز تسلیحات نظامی مهمی از جمله هواپیماهای جنگی، تانک‌ها و بالگردهای حمل و نقل سنگین از این کشور خریداری کرده‌اند (رومر و همکاران، ۲۰۲۰: ۳۱). روسیه همچنین به فیلیپین، برونئی، هند و در سطح غیررسمی به تایوان تسلیحات صادر می‌کند (دیکارو و لوکین، ۲۰۲۱: ۱۵). نیاز روسیه به فروش تسلیحات در شرق آسیا، عامل مهمی برای عدم تمایل روسیه به حل و فصل منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیاست. روسیه از یک‌سو مایل به فروش تسلیحات مدرن به چین نیست و چین نیز تمایلی به خرید تسلیحات قدیمی روسیه ندارد. روسیه به بازار مصرف تسلیحات در حوزه پیرامونی خود نیاز حیاتی دارد (سیمبر و حسینی، ۱۳۹۵: ۹۰) و رونق



فروش تسلیحات با ایجاد رقابت تسلیحاتی در کانون تنش و منازعه میسر خواهد بود.

ج. اهداف: رویکرد و راهبرد اتخاذ شده توسط روسیه در منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا به واسطه وجود دو قدرت بزرگ رغیب و غیرهمسو یعنی چین و ایالات متحده، پیچیده و متناقض است. با این حال این رویکرد و راهبرد با اهداف این کشور در منطقه مطابقت و سنخیت دارد. از مهم‌ترین اهداف این کشور در منطقه دسترسی و تسلط به دریا و آب‌های گرم، جلوگیری از حضور و مداخله ایالات متحده در منطقه و توازن قدرت چین است. هدف دیرینه روسیه با سابقه بیش از یک قرن، رسیدن به آب‌های آزاد و گرم از جمله آب‌های خلیج فارس، اقیانوس هند و آرام بوده است. در این راستا آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا با توجه به نزدیکی جغرافیایی به خاک این کشور در کانون این راهبرد قرار دارند. از این رو بروز اختلاف، تنش و منازعه در آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا فرصت کافی برای حضور نظامی روسیه ایجاد می‌کند. روسیه به‌خوبی این موضوع را درک کرده است که با توجه به رشد سریع اقتصادی چین و پتانسیل تبدیل قدرت اقتصادی این کشور به قدرت نظامی طی چند دهه آینده، این کشور توان رقابت با چین در حوزه نظامی و امنیتی و دسترسی و کنترل بر آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا را نخواهد داشت، از این رو سعی دارد سطح دسترسی به آب‌های منطقه را افزایش داده و حضور و کنترل خود بر آن را تثبیت نماید. اهمیت آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا برای روسیه از یک‌سو تابعی از اشتراکات مرزی طولانی با چین، عدم تعادل راهبردی و روند رو به رشد این کشور و از سوی دیگر متأثر از رقابت راهبردی با ایالات متحده به‌عنوان یک تهدید مهم است (رومر و همکاران^۱، ۲۰۲۰: ۴).

هدف دیگر روسیه جلوگیری از افزایش حضور و نفوذ ایالات متحده در شرق و جنوب شرق آسیاست. افزایش نیروی دریایی آمریکا، برقراری روابط سیاسی، نظامی و امنیتی با تعدادی از کشورهای منطقه، اتحاد و ائتلاف‌های نظامی و همچنین برگزاری رزمایش‌های نظامی با آن‌ها (کرولو، ۲۰۱۷: ۲) در کنار نقطه قوت ایالات متحده آمریکا در قدرت دریایی و حضور مستمر در آب‌های شرق در مقابل نقطه ضعف روسیه در داشتن مرزهای آبی و نیروی

1. Rumer, E. et al

دریایی ضعیف، سبب شده است تا این کشور حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در آب‌های منطقه را تهدیدی جدی علیه خود قلمداد کند. این موضوع علی‌رغم نگرانی نسبت به افزایش قدرت چین، روسیه را در تقابل با آمریکا در کنار چین قرار داده است. رزمایش‌های متعدد روسیه و چین (در قالب سازمان شانگهای از سال ۲۰۰۵ و رزمایش ۲۲ آوریل ۲۰۱۲ در دریای زرد و آب‌های منطقه در پاسخ به رزمایش‌های آمریکا و فیلپین در دریای جنوبی چین در ۲۰۱۲ و دیگر متحدانش) نمونه‌هایی از اقدام در راستای جلوگیری از نفوذ ایالات متحده در آب‌های منطقه است (سیمبر و حسینی، ۱۳۹۵: ۱۶).

از سوی دیگر روسیه در شرق و جنوب شرق آسیا به دنبال توازن قدرت با چین است. روسیه در چند دهه گذشته حضور خود در آب‌های این منطقه و روابط با کشورهای مخالف چین، خصوصاً کشورهایی که با چین در دریای شرق و دریای جنوبی چین اختلاف نظر دارند را در راستای موازنه قدرت چین افزایش داده است. روسیه همواره در حوزه‌های مهمی نظیر قطب شمال و خاور دور (که بر آن‌ها حاکمیت و یا ادعای حاکمیت دارد)، فضای پس از اتحاد جماهیر شوروی خصوصاً کشورهای استقلال‌یافته در آسیای مرکزی (مناطق که آن را حوزه نفوذ خود می‌داند) و مناطق تحت طرح کمربند-جاده با چین در تقابل است و تلاش دارد در این مناطق نقش برتر را ایفا نموده و کنترل چین را نیز در دست داشته باشد. بنابراین باید به روابط چین و روسیه نه در قالب یک اتحاد راهبردی و پایدار، بلکه به‌عنوان یک راهبرد موقت به‌دلیل درک تهدید مشترک یعنی ایالات متحده آمریکا نگریست.

بنابراین روسیه در رابطه با این منازعات رویکرد و راهبردی دوگانه اتخاذ کرده است. از یک‌سو رویکردی بی‌طرفانه در این منازعات داشته و از طرفی دیگر راهبرد فروش تسلیحات، رقابت تسلیحاتی و برگزاری رزمایش مشترک با کشورهای مخالف چین و کشورهای ساحلی محور منازعه را در پیش گرفته است. این منطقه و آب‌های آن در راهبردهای نظامی-امنیتی این کشور از جایگاه مهمی برخوردار است. از یک‌سو تشدید منازعه و تبدیل آن به یک منازعه بین‌المللی و افزایش حضور و نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای نظیر ایالات متحده منافع این کشور را تهدید می‌کند و از سوی دیگر نبود تنش و حل و فصل نهایی تنش‌ها و پایان



منازعات در این آب‌ها به‌منزله افول نقش این کشور در بخش عظیمی از منطقه، از بین رفتن رقابت تسلیحاتی، کاهش فروش تسلیحات و حضور نظامی در آب‌های منطقه، تضعیف روابط نظامی-امنیتی با کشورهای مخالف چین و مخالف ایالات متحده آمریکا و مهم‌تر از همه دشوار شدن فرایند کنترل قدرت چین در آب‌های آسیای جنوب شرقی است که مجموع این عوامل سبب شکل‌گیری الگوی مدیریت منازعه مبتنی بر تداوم منطقه‌ای منازعات از سوی روسیه شده است.

۴-۳-۳. ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا به‌عنوان قدرت نظامی برتر در نظام بین‌الملل، در حوزه نظامی و امنیتی راهبردهای کلانی را در سطح جهان طراحی و به‌منظور دستیابی به اهداف مورد نظر خود اجرا نموده است. هدف کلان این کشور حضور در کلیه مناطق جهان و نمایش قدرت و تثبیت جایگاه بین‌المللی خود است. یکی از حوزه‌هایی مهم که تلاش نموده است با تکیه بر نیروی دریایی نقش مؤثری در آن ایفا کند، حوزه‌های آبی اقیانوس آرام و هند و به‌طور خاص آب‌های شرق و جنوب شرق آسیاست. اهمیت این منطقه برای ایالات متحده به‌واسطه دو قدرت بزرگ دیگر اقتصادی و نظامی یعنی چین و روسیه دوچندان شده است. مجموع این عوامل سبب شده است تا منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا به یک مسئله استراتژیک برای ایالات متحده تبدیل شود. بنابراین رویکرد و راهبرد این کشور علاوه بر این که مناسبات سیاسی-امنیتی منطقه را تحت تأثیر قرار داده، به منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا نیز سمت و سویی متفاوت داده است.

الف. رویکرد: ایالات متحده دو رویکرد را در منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا در پیش گرفته است و مکرراً بر آن پافشاری و تأکید دارد. اولین رویکرد این کشور تهدیدزا خواندن اقدامات چین در آب‌های منطقه است که صلح و امنیت در منطقه و جهان را تهدید می‌کند. در این رویکرد اقدامات چین تهدیدی سه‌جانبه است که منافع ملی و حیاتی کشورهای ساحلی، قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ژاپن و هند و قدرت‌های فرامنطقه‌ای که در

آب‌های آزاد دارای منافع هستند را به خطر انداخته است. دومین رویکرد این کشور تأکید بر آزادی دریانوردی بین‌المللی و آزادی کشتیرانی در آب‌های منطقه است. ایالات متحده به‌طور مداوم بر هنجار بین‌المللی آزادی دریانوردی در آب‌های شرق آسیا تأکید می‌کند و آن را شرط ثبات منطقه‌ای و جهانی می‌شمارد (مارتن^۱، ۲۰۱۶: ۹۲۵) که همواره نیازمند حفاظت و صیانت است. در این راستا با وجود تأکید مکرر چین بر اصل آزادی کشتیرانی در این آب‌ها، ایالات متحده هرگونه تحرک و اقدام چین در آب‌های این منطقه را مخالف این اصل تفسیر و در برابر آن موضع‌گیری نموده و کشورهای ساحلی متحد و مخالف چین را علیه این کشور تهییج کرده است. این کشور به کرات بر حفظ دریانوردی بین‌المللی و به رسمیت شناختن بسیاری از آبراهه‌های این حوزه خصوصاً آب‌های دریای جنوبی چین که کریدور ارتباط‌دهنده اقیانوس آرام و هند است، به‌عنوان آبراه بین‌المللی تأکید نموده است چراکه این موضوع حضور ایالات متحده در این آب‌ها را توجیه نموده و این کشور را در رسیدن به منافع و اهداف خود یاری می‌دهد (صبوری و قیاسی، ۱۳۹۳: ۴۹). نمونه بارز و عینی این رویکرد اظهارات هیلاری کلینتون در جولای ۲۰۱۰ مبنی بر بی‌اساس خوانده ادعاهای چین در این آب‌ها و تأکید بر حفظ آزادی کشتیرانی و دریانوردی، دسترسی به مسیرهای دریایی و احترام به حقوق بین‌الملل (بهرامی مقدم، ۱۳۹۷: ۱۴۶) است. تفسیر «کنوانسیون ملل متحد در حقوق دریاها»^۲ توسط آمریکا به نفع خود و متحدین و در توجیه افزایش فعالیت کشتی‌ها و هواپیماهای نظامی ایالات متحده در دریای چین جنوبی و دیگر آب‌های ساحلی (دالون و همکاران، ۲۰۲۱: ۱) در راستای همین رویکرد قرار دارد.

ب. راهبردها: ایالات متحده در منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا همواره دو راهبرد مهم را پیگیری کرده است. اولین راهبرد، اتحاد و ائتلاف با کشورهای ساحلی و محور منازعه است. ائتلاف‌های بلندمدت با بسیاری از کشورهای مخالف چین نظیر فیلیپین، کره جنوبی، نیوزیلند، تایلند، تایوان و استرالیا و تقویت توانمندی‌های امنیتی کشورهای ساحلی نظیر (ویتنام، فیلیپین، مالزی، اندونزی، تایلند و میانمار) (محرق، ۱۴۰۱: ۳۰۸)، با ژاپن مطابق

1. Morton, K.

2. United Nations Convention on the Law of the Sea



دستورالعمل‌های دفاعی بازنگری شده در سال ۲۰۱۵، تداوم ابتکار بازدارندگی هند و اقیانوسیه در سال ۲۰۲۰ (گلaser و همکاران^۱، ۲۰۲۰: ۱۵)، با کره جنوبی، استرالیا و تایوان و همکاری با این کشور در آموزش نیروهای نظامی این کشور، توافقنامه نظامی شش‌ساله با کره جنوبی در سال ۲۰۱۹، توافق نظامی لوید آستین وزیر دفاع ایالات متحده با فیلیپین در سال ۲۰۲۱ و توافقنامه سه‌جانبه ایالات متحده، بریتانیا و استرالیا «اکواس»^۲ در سال ۲۰۲۱ در قالب این راهبرد و استمرار آن است. دومین راهبرد این کشور فروش سلاح، ایجاد رقابت تسلیحاتی با کشورهای ساحلی و محور منازعه است. همکاری نظامی در دریای جنوبی چین، دریای شرقی چین و دریای زرد با سه متحد راهبردی خود یعنی فیلیپین، کره جنوبی و ژاپن (ارورک، ۲۰۲۲: ۱)، فروش زیردریایی‌ها، کشتی‌های جنگی، سیستم‌های دفاع ضد موشکی پاتریوت در سال ۲۰۰۱ و فروش ۶/۷ میلیارد دلاری تسلیحات به تایوان در سال ۲۰۱۰ (توگوج و ابوالقاسم^۳، ۲۰۲۰: ۴)، وضع و تدوین «قانون مجوز دفاع ملی»^۴ توسط کنگره آمریکا در سال ۲۰۲۱ و افزایش روابط و فعالیت‌های نظامی با مخالفان چین، تقویت تعهدات دفاعی با فیلیپین تحت معاهده دفاعی و همکاری‌ها و کمک نظامی و امنیتی به کامبوج (دالون و همکاران، ۲۰۲۱: ۳) و استمرار این راهبرد در دوران ریاست جمهوری اوباما، ترامپ و بایدن نمونه‌هایی است که تداوم این راهبرد را نشان می‌دهد. جدول زیر میزان فروش تسلیحات متعارف ایالات متحده به کشورهای منطقه از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۹ را نشان می‌دهد.

جدول ۱: میزان فروش تسلیحات متعارف ایالات متحده به برخی کشورهای شرق آسیا

کشور	میزان فروش / میلیون دلار
تایوان	۱۶,۰۱۰
استرالیا	۱۱,۷۰۰
ژاپن	۱۰,۳۶۰
کره جنوبی	۹,۲۵۲
سنگاپور	۳,۶۷۱

1. Glaser, B. S. et all

2. AUKUS

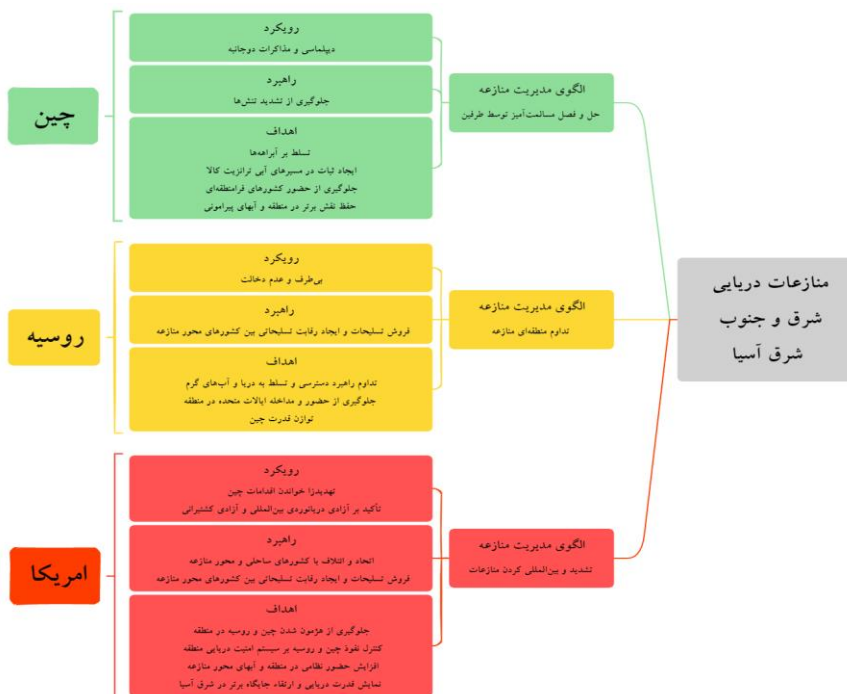
3. Toghuj, R., & AbuAlghanam, B.

4. The National Defense Authorization Act (NDAA)

ج. اهداف: رویکردها و راهبردهای ایالات متحده در قبال این منازعات با اهداف این کشور در منطقه هم‌سویی دارد. این کشور اهداف مهمی از قبیل جلوگیری از هژمون شدن چین و روسیه در منطقه، کنترل نفوذ این دو کشور بر سامانه امنیت دریایی منطقه، نمایش قدرت دریایی و ارتقای جایگاه برتر در شرق آسیا را دنبال می‌کند. جلوگیری از گسترش نفوذ و افزایش قدرت روسیه و چین در آب‌های شرق و جنوب شرق آسیا و هژمون شدن آنان در منطقه یکی از اهداف دیرینه و بسیار مهم ایالات متحده آمریکا است (دالون و همکاران، ۲۰۲۱: ۱) که با تکیه بر متحدان (ارورک، ۲۰۲۲: ۲۶) و از طریق همکاری‌های نظامی-امنیتی با کشورهای منطقه، انجام رزمایش‌های نظامی با کشورهای پیرامونی چین، انعقاد قراردادهای نظامی-امنیتی با این کشورها، حضور در آب‌های شرق آسیا و تأکید بر بین‌المللی بودن آن‌ها (دالون و همکاران، ۲۰۲۱: ۱) دنبال می‌شود. اقدامات باراک اوباما در چهارچوب سیاست بازگشت به آسیا (صبوری و قیاسی، ۱۳۹۳: ۴۹)، استمرار در دوران ترامپ و حفظ آن در دوره بایدن در همین راستا صورت گرفته است. همچنین تسلط بر سامانه امنیت دریایی منطقه و جلوگیری از کنترل این سامانه توسط چین و روسیه از دیگر اهداف آمریکا در آب‌های منطقه است. این هدف با تشدید منازعات از سال ۲۰۰۹ خصوصاً در دریای چین جنوبی که مجموعه‌ای گسترده‌ای از رقابت‌ها بر سر نظم امنیتی منطقه‌ای ایجاد کرد، پیگیری شد که از متحدان و شرکای خود خواست تا در برابر اقدامات چین در حوزه دریایی بایستند (استراتینگ، ۲۰۲۰: ۱) و با اتحاد و حمایت از آمریکا در سامانه امنیت منطقه خصوصاً سامانه امنیت دریایی منطقه ایفای نقش نمایند. نمایش قدرت دریایی و ارتقای جایگاه برتر در شرق آسیا و آب‌های منطقه نیز اهداف مهم دیگر ایالات متحده است که و در چهارچوب دکترین دریایی این کشور دنبال می‌شود. بنابراین براساس رویکردها و راهبردهای اتخاذ شده از سوی ایالات متحده آمریکا و اهداف آن در منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا الگوی مدیریت منازعه این کشور مبتنی بر تشدید منازعه و بین‌المللی کردن آن است. تشدید منازعات و تبدیل آن به یک منازعه بین‌المللی از یک‌سو تمایل به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای کنترل منازعات را از بین برده و ضمن تقویت رویکردهای تجدیدنظرطلب، تشدید



منازعات را موجب شده است و از سوی دیگر زمینه را برای حضور فعال سیاسی، امنیتی و نظامی این کشور در آب‌های منطقه و مداخله در منازعات را فراهم کرده است. این موضوع مسیر رسیدن ایالات متحده به اهداف و منافع خود را هموارتر کرده است.



نمودار (۱): مؤلفه‌ها و الگوهای مدیریت منازعه چین، روسیه و آمریکا در منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

هدف این مقاله الگویابی مدیریت منازعه چین، روسیه و آمریکا به‌عنوان سه قدرت بزرگ در منازعات دریایی شرق و جنوب شرق آسیا بود که براساس سه مؤلفه «رویکرد»، «راهبرد» و «اهداف» این کشورها در منازعات تبیین شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که تعدد دریا‌های محور تعارض، ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی آن‌ها، تعدد معارضین و کشورهای ساحلی و تکرر بازیگران منجر به شکل‌گیری این منازعات شده است. در این راستا رویکرد،

راهبرد و اهداف معین چین، روسیه و آمریکا در این منازعات، الگوهای مدیریت منازعه متفاوتی را شکل داده است.

اقدامات چین برای تسلط بر آبراهه‌ها و ایجاد ثبات مورد انتظار در مسیرهای آبی ترانزیت کالا به‌منظور عدم اختلال در جریان مبادلات عظیم اقتصادی و تجاری، جلوگیری از حضور کشورهای فرامنطقه‌ای خصوصاً آمریکا و حفظ نقش برتر در منطقه و آب‌های پیرامونی منجر به اتخاذ رویکرد و راهبردهایی مستمر و پایدار توسط این کشور شده است که این مسئله موجب شکل‌گیری الگویی مبتنی بر حل و فصل مسالمت‌آمیز توسط طرفین منازعه شده است. اقدامات روسیه برای تداوم راهبرد دیرینه دسترسی و تسلط به آب‌های گرم، جلوگیری از حضور و مداخله ایالات متحده در منطقه و توازن قدرت چین نیز منجر به اتخاذ رویکرد و راهبردی مستمر و پایدار توسط این کشور شده است که این موضوع موجب شکل‌گیری الگوی مبتنی بر تداوم منازعات و حفظ آن در چهارچوب منازعات منطقه‌ای از سوی این کشور شده است. همچنین اقدامات آمریکا برای جلوگیری از هژمون شدن چین و روسیه در منطقه، کنترل نفوذ این دو کشور بر سامانه امنیت دریایی منطقه، نمایش قدرت دریایی و ارتقای جایگاه برتر در شرق آسیا منجر به اتخاذ رویکردها و راهبردهایی مستمر و پایدار توسط این کشور شده است که این موضوع شکل‌گیری الگوی مبتنی بر تشدید منازعات و تبدیل آن به منازعاتی بین‌المللی از سوی این کشور را موجب شده است.

۵-۱. پیشنهادهای پژوهش

با توجه به این‌که بازیگران در عرصه سیاست بین‌الملل براساس رویکردهای عقلانی، محاسبات مبتنی بر هزینه-فایده و در راستای دستیابی به اهداف و منافع خود عمل می‌کنند، در مواجهه با منازعات و بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز الگوهای رفتاری و مدیریتی مشخصی را دنبال می‌کنند. بنابراین با نظر به این‌که رویکردها و راهبردهای اتخاذ شده از سوی بازیگران در سیاست بین‌الملل، خصوصاً رویکردها و راهبردهای تکرارپذیر و پایدار می‌تواند در پیش‌بینی الگوهای رفتاری بازیگران مؤثر باشد؛ از این‌رو سیاستمداران و



تصمیم‌گیران حوزه سیاست خارجی باید توجه ویژه‌ای به قاعده‌مندی‌های رفتاری، رویکردی و راهبردی بازیگران داشته باشند. همچنین مدل‌های رفتاری و الگوهای مدیریت منازعه بازیگران می‌تواند در منازعات مشابه عیناً و یا با اندک تغییراتی مجدداً دنبال شود از این رو توجه به الگوهای مدیریت منازعه پیشین بازیگران مبنایی مهم برای اتخاذ راهبردهای مناسب در صورت مواجهه با آنان است و در نهایت در مطالعات علمی حوزه سیاست بین‌الملل، اهداف و منافع بازیگران می‌تواند به‌عنوان یک چراغ راهنما عمل نماید که در مطالعه، تحلیل و تبیین کنش‌ها و الگوهای رفتاری بازیگران باید مدنظر قرار گیرد.

فهرست منابع

- بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۷). «پاسخ آمریکا به قدرت‌یابی دریایی چین در دریای شرقی و دریای جنوبی»، فصلنامه روابط خارجی، ۱۰(۱).
- حافظ نیا، محمدرضا؛ میرزایی تبار، میثم (۱۳۹۸). «تبیین ژئوپلیتیکی منازعات مرزی و سرزمینی کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی آفریقا از پایان جنگ سرد تا ۲۰۱۴ میلادی»، فصلنامه سپهر، دوره ۲۸، شماره ۱۱۲.
- حافظ نیا، محمدرضا؛ متقی، منوچهر؛ بوالحسنی، خسرو؛ روشنی، رضا (۱۳۹۸). «دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک و مؤثر بر روابط جمهوری اسلامی ایران و چین»، مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۹(۳۴).
- خضری، رؤیا (۱۳۹۱). «راهبرد چین و آمریکا در دریای جنوبی چین»، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۶(۳).
- سیمبر، رضا؛ حسینی، سیدمصطفی (۱۳۹۵). «بررسی عوامل مؤثر بر هم‌گرایی و منازعه روسیه و چین در عصر پساجنگ سرد»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۲(۹۶).
- صبوری، ضیاءالدین؛ قیاسی، امیر (۱۳۹۳). «تحولات ژئوپلیتیک دریای جنوبی چین و راهبرد بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای: آثار و پیامدها»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۱۴، زمستان، صص ۵۸ - ۳۱.
- طهماسبی، مریم؛ حاجی یوسفی، امیر محمد؛ برزگر، کیهان (۱۴۰۰). «درهم‌تنیدگی عناصر منازعه و همکاری در حوزه آبریز هیرمند»، فصلنامه سیاست جهانی، ۱۰(۲).
- مجتهدزاده، پیروز؛ کریمی‌پور، یدالله؛ ربیعی، حسین؛ ضرغامی، ابراهیم (۱۳۹۷). «راهبرد دریایی و قدرت ملی (رویکردی نوبه راهبرد دریایی)»، مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۸(۳۳).
- محروق، فاطمه (۱۴۰۱). «گذار دریای پاپیه و پویایی‌های دریایی چین-آمریکا»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱۱(۱).



References

- Acheson, C. (2011). "Disputed Claims in the East China Sea", An Interview with James Manicom. the National Bureau of Asian Research, pp 1-2.
- Asia, T., & Cheng, D. (2016). "China and Asian Maritime Security", The heritage Foundation, pp1-12.
- Burke, E. J., Heath, T. R., Hornung, J. W., Ma, L., Morris, L. J., & Chase, M. S. (2018). "China's Military Activities in the East China Sea", Implications for Japan's Air Self-Defense Force. Santa Monica: RAND Corporation, pp 1_36.
- Cheng, J. Y., & Paladini, S. (2014). "China's ocean development strategy and its handling of the territorial conflicts in the South China Sea", Philippine Political Science Journal, 35(2), pp 185-202.
- Cho, S. (2021). "China's quiet challenges at sea: explaining China's maritime activities in the Yellow Sea, 2010–2020", Asian Security, 17(3), pp 294-312.
- De Castro, R. C. (2016). "The Philippines discovers its maritime domain: the Aquino administration's shift in strategic focus from internal to maritime security", Asian Security, 12(2), pp 111-131.
- Dikarev, A., & Lukin, A. (2022). "Russia's approach to South China Sea territorial dispute: it's only business, nothing personal", The Pacific Review, 35(4), pp 617-646.
- Dolven, B., Lawrence, S. V., & O'Rourke, R. (2021). "South China Sea Disputes: Background and US Policy", Current Politics and Economics of Northern and Western Asia, 30(2/3), pp 285-291.
- dvocate, S. J. (2021). "US Protests China's Maritime Claims in the South China Sea", International Law Studies, 97(1), pp 87-96.
- Elgoibar, P., Euwema, M., & Munduate, L. (2017). "Conflict management", In Oxford research encyclopedia of psychology, pp 1-23.
- Fravel, M. T (2011). "China's strategy in the South China Sea", Contemporary Southeast Asia, pp 292-319.
- Furuya, K. (2019). "Maritime Security—The Architecture of Japan's Maritime-Security System in the East China Sea", Naval War College Review, 72(4), pp 1-27.
- Glaser, B. S., Bush, R. C., & Green, M. J. (2020). "Toward a stronger US-Taiwan relationship", Washington, DC: Center for Strategic and International Studies, pp 1-57.
- Heiduk, F, and Paul, M. (2015). "Seas of trouble: enduring territorial conflicts in East and Southeast Asia", Stiftung Wissenschaft und Politik German Institute for International and Security Affairs, pp 1-7.
- IILSS. (2021). "China geopolitical interests in eastern Asia and south China sea", international institute for law of the sea studies, pp 1-5.
- Koo, M. G. (2019). "Japan and the identity politics of East Asian maritime disputes", Japan and Asia's Contested Order: The Interplay of Security, Economics, and Identity, pp 239-259.

- Korolev, A. (2019). "Russia in the South China Sea: balancing and hedging", *Foreign Policy Analysis*, 15(2), pp 263-282.
- Korolev, A. (2017). "The two levels of Russia's South China Sea policies. Maritime security", the version online at: <https://isnblog.ethz.ch/maritime-security/the-two-levels-of-russias-south-china-sea-policies>.
- Kuo, J., Huang, M. H., & Chu, Y. H. (2022). "Maritime Territorial Disputes and China's Soft Power in East Asia", *Journal of Contemporary China*, 31(133), pp 72-85.
- Lin, C. P. (2015). "Behind rising East Asian maritime tensions with China: Struggle without breaking", *Asian Survey*, 55(3), pp 478-501.
- Morton, K. (2016). "China's ambition in the South China Sea: is a legitimate maritime order possible?", *International Affairs*, 92(4), pp 909-940.
- Ogunnoiki, A. O. (2020). "The East China Sea disputes: Examining China and Japan's territorial Claims", *Korea*, 3(2), pp 79-92.
- O'Rourke, R. (2022). "US-China strategic competition in South and East China Seas: Background and issues for Congress", Washington, DC: Congressional Research Service, pp 99-294.
- Patalano, A. (2013). "Sea power, maritime disputes, and the evolving security of the East and South China Seas", *The RUSI Journal*, 158(6), pp 48-57.
- Prasetya, D. M., Haffsari, P. P., & Estriani, H. N. (2020). "Identity Matters: Indonesia's approach towards territorial disputes in South-east Asia", *Maritime Affairs: Journal of the National Maritime Foundation of India*, 16(2), pp 89-105.
- Rumer, E., Sokolsky, R., & Vladicic, A. (2020). "Russia in the Asia-Pacific: Less Than Meets the Eye", *Carnegie Endowment for International Peace*, pp 1-50
- Shih, Y. C. (2020). "Taiwan's progress towards becoming an ocean country", *Marine Policy*, 111, 103725. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0308597X19302180>
- Stanzel, V. (2016). "Danger on the high seas: The East Asian security challenge", *European Council on Foreign Relations (ECFR)*, pp 1-12.
- Storey, I. (2021). "The Russia-China Strategic Partnership and Southeast Asia: Alignments and Divergences", *RESEARCHERS AT ISEAS – YUSOF ISHAK INSTITUTE ANALYSE CURRENT EVENTS*, ISSUE: 2021 No. 117. <https://doi.org/10.1177/00207020241232987>
- Storey, I. (2020). "The South China Sea Dispute in 2020-2021", *ISEAS-Yusof Ishak Institute*, pp 1-13.
- Strating, R. (2019). "Maritime Disputes, Sovereignty and the Rules-Based Order in East Asia", *Australian Journal of Politics & History*, 65(3), pp 449-465.
- Strating, R. (2021). "Maritime and Sovereignty Disputes in the East China Sea", *Commentary from the Maritime Awareness Project*, pp 449-465.
- Strating, R. (2022). "Norm contestation, statecraft and the South China Sea: defending maritime order", *The Pacific Review*, 35(1), pp 1-31.
- Tan, S. S. (2020). "Consigned to hedge: south-east Asia and America's 'free and open Indo-Pacific' strategy", *International Affairs*, 96(1), pp 131-148.



- Thakore, D. (2013). "Conflict and conflict management", *Iosr Journal Of Business And Management (Iosr-Jbm)*, 8(6), pp 7-16.
- Thrall, A. T., Cohen, J., & Dorminey, C. (2020). "Power, Profit, or Prudence? US Arms Sales since 9/11", *Strategic Studies Quarterly*, 14(2), pp 100-126.
- Toghuji, R., & AbuAlghanam, B. (2022). "The Game of Fluctuating Interests: USA and the Security Architecture in the South China Sea", *Politics and International Relations*, pp 1-14.
- Wood, J. R. (2021). "China's maritime strategy and national security in the South China Sea", *Intelligence and National Security*, 36(3), pp 444-450.
- Xie, Z. (2014). "China's Rising Maritime Strategy: Implications for its Territorial Disputes", *Journal of Contemporary East Asia Studies*, 3(2), pp 111-124.
- Yee, A. (2011). "Maritime territorial disputes in East Asia: A comparative analysis of the South China Sea and the East China Sea", *Journal of Current Chinese Affairs*, 40(2), pp 165-193.
- Zou, K. (2020). "Towards the Code of Conduct for the South China Sea: maritime security dimensions. In *Maritime Security and the Law of the Sea*", Edward Elgar Publishing, pp 202-217.